

دفاعیه

اشاره

در شهریورماه ۱۳۵۷ که دولت جعفر شریف امامی جای جمشید آموزگار را گرفت، تحت فشار اعتراضات عمومی که در شکل تظاهرات خیابانی، اعتصابات، پخش اعلامیه‌های گوناگون و... نمود می‌یافت، مجبور شد از سنگینی اختناق حاکم بر جامعه بکاهد. از آن جمله بود رقت احکام در دادگاههای نظامی که پیش از آن در مورد مخالفان حکومت با غلظت صادر می‌شد. ساعت هشت شب پانزدهم شهریورماه به شهربانی خرم‌آباد خبر می‌دهند که در مغازه فتوکپی کیومرث اعلامیه‌هایی علیه حکومت شاه در حال تکثیر است. مأموران شهربانی خود را به آنجا می‌رسانند و صاحب مغازه «کیومرث عبدی» و شخص دیگری را که عامل تکثیر اعلامیه‌ها بود، دستگیر می‌کنند و همه اعلامیه‌ها هم ضبط می‌شود. مأموران شهربانی، شخص دوم را «تحت شکنجه‌های سخت و شکنجه» قرار می‌دهند و چند روز بعد او را به سازمان اطلاعات و امنیت خرم‌آباد منتقل می‌کنند تا بازجوییها ادامه یابد. در ساواک او را تهدید می‌کنند هر چه به او دیکته می‌شود بنویسد؛ و او نیز چنین می‌کند.

پرونده تشکیل شده راهی دادسرای دادگاه عادی نیروهای مسلح شاهنشاهی می‌گردد تا بر اساس آن رأی صادر شود. در این فاصله خانه متهم نیز مورد بازرسی قرار می‌گیرد و تعدادی

مجموعه مطالعات نابین

کتاب، نوار و اعلامیه دیگر که از نظر مقامات حکومتی «مضره» تشخیص داده شده بود، به دست می‌آید. بازپرس این دادسرا سرگرد قضایی رضا زندانی در تاریخ ۵۷/۸/۲۴ اتهام این فرد را «عمل ارتكابی از درجه جنایی» می‌نامد. در جلسه بعدی دادگاه که به ریاست سرهنگ قضایی هرمز پوراحمد در تاریخ ۵۷/۹/۷ برپا می‌شود، غلظت اتهام رنگ می‌بازد و متهم از جرمهای مطرح شده در کیفرخواست مبرا می‌گردد و در نهایت دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۵۷/۹/۱۲ چنین رأی می‌دهد که «متهم غیرنظامی احمد متوسلیان فرزند غلامحسین را از اتهام انتسابی مبرا دانسته (به علت فقد دلیل کافی)... و به اتفاق آرا آن را تأیید می‌نماید.»

احمد متوسلیان^۱ با اینکه در دوره نخست وزیری شریف امامی دستگیر شد، اما به واسطه فراگیر شدن نهضت اسلامی و فشارهای همه جانبه مردم به پیکره حکومت، در زمان نخست وزیری ارتشبد غلامرضا ازهاری و حاکمیت دولت نظامی از زندان آزاد شد. اگر این حادثه دو سال زودتر برای او رخ می‌داد، کیفر او در اداره دادرسی ارتش چیز دیگری بود. متوسلیان در سیر دادگاههای خود، دفاعیه‌ای هم نوشت که بازخوانی آن نشان از استحکام اندیشه و پایداری او دارد. آنچه پیش رو دارید، متن دفاعیه و سه صورتجلسه از دادگاههای وی است.

۳۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الْقَاصِمِ الْجَبَّارِينَ - مُبِيرِ الظَّالِمِينَ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ - بِسْمِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْجَبَّارِ الْمُنتَقِمِ - بِسْمِ اللَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ - بِسْمِ اللَّهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. شيعه از ریشه شيع به معنی پيرو هدف مشخص می‌باشد.

اولین ندایی که در صدر اسلام بر علیه مقام پرستی و خودکامگیهای خلفای بعد از پیغمبر بلند شد ندای شيعه بود که به پیروی از عدالت و تواضع و خشوع علی علیه السلام نسبت به مظلومان، مسیر خود را تعیین و تاکنون نیز این خط مشی به وسیله پاسداران حقیقی مذهب حقه شيعه امتیاز خود را نسبت به مذاهب مقام پرست و استعمارگر و استعمار شده، چه اسلامی و چه غیره حفظ کرده است.

چه بسا مشاهدات تاریخ و حقایقی که در طول زمان تا به حال به وقوع پیوسته خود شاهد این مدعاست که همواره رهبران حقیقی شيعه حتی اندک زمانی فرصت زورگویی و استعمار به مقام پرستان معاصر خود نداده و با ندای اِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ پوزه آنان را به خاک فلاکت مالیده و

همواره در این راه پیروز واقعی بوده اند. بلی شیعه بدین ترتیب از همان اولین قدم زور و توطئه، حق را گفته و حق را خواسته و به حق عمل کرده و هم در این راه شهادتی داده تا به وجود ظلم شهادت دهند. و هدف شیعه در اصرار برای برانداختن ظلم و حب جاه و مقام اصلاح جامعه و جایگزین کردن عدل و فراهم نمودن محیطی سالم جهت کلیه افراد جامعه است، چون ریشه فساد همانا مظالم - مقام پرستیها - نیرنگ بازیها - گزارشهای کذب و بروکراسیهای مزورانه و پرونده سازیهای دروغین جهت کسب ارتقاء پایه - درجه و امثالهم می باشد. یکی از خصالتهای شیعه برانداختن فساد و فاسد و جور و جبار، می باشد - آنان که برای گرفتن ستاره به آسمان می پرند و بعد از به دست آوردن و فرود آمدن، مظلومان و ستمدیدگان و مستضعفین را زیر پای خود خرد می کنند از جمله فاسدان و جباران می باشند و قرآن به صراحت در سوره شورا آیه ۴۱ درباره اینان می فرماید: **إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** - یعنی: تنها راه مؤاخذه بر آنهاست که به مردم ظلم می کنند و در زمین بناحق فساد برمی انگیزند بر آنها در دنیا انتقام و در آخرت عذاب دردناک است.

و در آیه ۴۳ همین سوره می فرماید:

۳۰۱

وَمَنْ يَضِللِ اللَّهُ فَمَالَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ؟ یعنی: هر که را خدا گمراه کند دیگر جز خدا بر او هیچ یاورى نیست و ستمکاران را بنگری که چون عذاب قیامت را به چشم ببینند در آن حال با حسرت و پشیمانی گویند: ای خدا راه به بازگشت به دنیا برای ما هست؟ و آیه ۴۴ همین سوره و تریبهم يعرضون علیها خاشعین من الدل ينظرون من طرف خفي و قال الذين آمنوا ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و اهليهم يوم القيمة الا ان الظالمين فى عذاب مقيم.

یعنی: و آن ظالمان را بنگری که به دوزخ می نگرند و در آن حال مؤمنان گویند آری زیانکاران آنها هستند - آنها کسانی هستند که خود و خانواده خود را در روز قیامت به زیان انداخته اند و ای مردم بدانید که ستمکاران عالم به عذاب ابدی گرفتارند. و نیز قرآن ما را به رفع فساد و ظلم و از بین بردن آنها در سوره انبیاء آیات ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ می خواند و می فرماید: **لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْتَلُون، قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ.** یعنی: مگر یزید که گریز فایده ندارد بلکه رو به خانه های خود آرید و به اصلاح فسادکاریهای خویش که روزی ممکن است بازخواست شوید بپردازید.

در آن هنگام ظالمان به حسرت و ندامت گفتند و ای بر ما که سخت ستمکار بودیم و پیوسته همین گفتار حسرت بار بر زبان نشان بود تا آنکه همه را طعمه شمشیر مرگ و هلاکت ساختیم. آیا رجعت از فساد به نیکی و اصلاح و از ظلم به عدالت و از زور به مساوات آن است که افراد بی

گناه را که تنها به اتهامات دروغین متهم شده اند در دادگاه محاکمه شوند. اگر این معنی آن همه، دیگر حرفی برای گفتن نیست و قرآن در آیاتی که ذکر شد سرنوشت فاسدین و ظالمین را مشخص کرده ولی اگر بخواهیم قدمی سازنده در راه اصلاح برداریم باید فاسدان و ظالمان را بشناسیم و حیلها و نیرنگهای داهیان آنها را دریابیم. برای این مقصود و من باب نمونه توصیه من این است که به پرونده پر از اتهامات کذب اینجانب مراجعه شود. این اتهامات تماماً دروغ و عاری از حقیقت است که اینان با شکنجه های سخت و طاقت فرسا و اعمال شنیع ضدانسانی که به جرأت می توانم بگویم حتی در حیطة حیوان هم جایز نیست سعی کرده اند برای آنها از من اعتراف بگیرند. آیا مگر یک انسان چقدر قدرت تحمل دارد که به همان صورت که عرض شد شکنجه شده و به او انواع توهینهای رکیک ناموسی و عقیدتی بشود و من که دیگر حتی تحمل خود را نداشتم فکر کردم که با این اعترافات هر بلایی که به سرم می آورند عیبی ندارد ولی مقابلم به دین و عقیده و ناموس و حیثیت توهینهای سفیهانه نشود. از این لحاظ چیزهایی را که آنان دیکته کردند من نوشتم. و حال از آن ریاست محترم تقاضا دارم که جهت روشن شدن موضوع حتی برای خودم مدارکی را که به اصطلاح از من گرفته شده و به عنوان جرم من در پرونده درج گردیده در حضور دادگاه ارائه شود تا به دفاعیات شفاهی در این مورد ادامه دهم. در خاتمه با توجه به ایمانی که به وعده خداوند دارم که فرموده وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. یعنی: و می خواهیم منت بگذاریم بر کسانی که ضعیف نگهداشته شده اند در زمین، قرار دهیم آنان را پیشوایان و وارثین. از ریاست محترم و قضات عظیم الشان که در این دادگاه حضور دارند تقاضا مند است که واقع بینانه و از روی عدل و حکم وجدان بیدار و بی نظری کامل در این مورد قضاوت نمایند.

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ. یعنی: همانا خداوند از ایمان آورندگان به حقیقت دفاع می کند و خداوند هرگز خیانتکار و ناسپاس را دوست ندارد.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ.

پانوشت:

۱- احمد متوسلیان در سال ۱۳۳۲ ش در محله امامزاده سید اسماعیل خیابان مولوی تهران متولد شد. وی دوران تحصیلات خود را در دبستان اسلامی "مصطفوی" سپری کرد. از همان کودکی ضمن اشتغال به درس و مدرسه به رگم نارسایی قلبی و ضعف توان جسمی در مغازه شیرینی فروشی پدرش (قنادی متوسلیان یزدی) واقع در بازار تهران مشغول به کار شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی در هنرستان صنعتی اخباریون ثبت نام کرد و در کلاس شبانه این هنرستان مشغول به تحصیل در رشته برق صنعتی شد که موفق گردید تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۵۱ به اتمام رسانده و دیپلم فنی دریافت کند.

متوسلیان بعد از اخذ دیپلم در یک شرکت خصوصی تأسیسات فنی، استخدام و مشغول به کار شد. همزمان نیز با تشکل های سیاسی پیرو خط امام (ره) رابطه تنگاتنگی برقرار کرد. او در این دوران مسئولیت بخش مخفیانه اعلامیه ها و پیامهای امام خمینی در سطح محلات جنوبی شهر تهران را برعهده داشت.

در بهار سال ۱۳۵۷ به بهانه مأموریت شغلی در خارج از مرکز راهی شهرستان خرم آباد شد و برای عادی سازی تحرکات خود در سطح استان لرستان و سهولت فعالیت نیمه مخفی خود به عنوان کارگر برق آغاز به کار کرد. وی در آنجا مشغول پخش اعلامیه بود که به همراه دو نفر از دوستانش دستگیر می شود.

متوسلیان به محض دستگیری به دلیل اینکه آن دو دوستش متأهل بودند، تمام مسئولیت چاپ و تکثیر اعلامیه ها را بر عهده گرفت، در نتیجه محکوم به زندان شد. در زندان فلک الافلاک خرم آباد زیر سخت ترین شکنجه ها مقاومت کرد و دم بر نیاورد. وی با روی کار آمدن دولت از هاری در هفتم آذر ۱۳۵۷ از زندان آزاد گردید و به محض آزادی از زندان نیز به خدمت زیر پرچم احضار شد.

احمد متوسلیان پس از اعزام به خدمت، ابتدا در مرکز زرهی شیراز دوره تخصصی تانک راطی کرد و با درجه گروهان دومی و رسته سازمانی فرمانده تانک به شهر مرزی سرپل ذهاب در غرب کشور اعزام شد. به رگم فضای حاکم بر ارتش از کمترین فرصتها برای افشای ماهیت رژیم در بین سربازان هم ردیف خود استفاده می کرد. با فرار شاه و همزمان با گسترش تظاهرات مردمی و فرار روزافزون نظامیان از پادگانها، وی نیز در اوایل بهمن ۱۳۵۷ به تهران بازگشت و بلافاصله نقش رابط و هماهنگ کننده تظاهرات مردمی در محلات جنوبی شهر تهران را برعهده گرفت.

متوسلیان در روزهای سرنوشت ساز ۲۱، ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ حاضر بود و در درگیری با نیروهای گارد شاهنشاهی شرکت داشت.

احمد متوسلیان با به ثمر رسیدن نهضت مردم ایران وارد سپاه شد. دوره سوم آموزش نظامی سپاه را در سعدآباد تهران گذراند. در بهار سال ۱۳۵۸ و آغاز درگیریهای گنبد به آنجا رفت. در بازگشت و همزمان با تشکیل گردانهای رزمی سپاه، فرماندهی گردان دوم سپاه به احمد واگذار شد.

در همین زمان با آغاز درگیریهای نظامی در کردستان، عازم بوکان شد و با همراهانش توانست شهری را که حکم ستاد پشتیبانی و لجستیک ضدانقلاب را داشت با تدبیر و قدرت فرماندهی، آزاد و اشرار مسلح را متواری کند. سپس با گروهش روانه مهاباد شد. این شهر را نیز که ضدانقلاب دژ شکست ناپذیر خود می نامید، با یک نقشه حساب شده آزاد کرد. بعد از آن به سقز رفت و آنجا را نیز از وجود ضدانقلابیون پاکسازی کرد، اما سندیج هنوز پایگاه نیروهای تجزیه طلب بود. احمد به اتفاق معاون خود، شهید محمد توسلی همراه با جمعی از رزمندگان سپاه و ارتش و با هدایت شهید بروجردی به سندیج یورش برد و پس از نبردی سنگین سندیج نیز آزاد شد.

احمد متوسلیان در زمستان سال ۱۳۵۸ از طرف شهید بروجردی مأموریت یافت که ضمن پاکسازی جاده پاره - کرمانشاه، حلقه محاصره ای را که ضدانقلاب بر گرد شهر پاره کشیده بود در هم بشکند. ضد انقلاب از ارتفاعات مشرف به شهر، خانه ها،

مجموعه مطالعات تاریخی

مدارس، مساجد و معابر عمومی را بی‌وقفه نشانه می‌گرفت. متوسلیان با پی‌ریزی طرحی نظامی توانست محاصره پاوه را بشکنند و مردم آن دیار را از زیر سلطه ضدانقلابیون نجات دهد.

متوسلیان پس از فتح پاوه به حکم بروجردی به سمت فرماندهی سپاه پاوه منصوب شد. در این دوران وی طی عملیاتهای مختلف توانست ارتفاعات و مناطق حساس منطقه را پاکسازی کند.

در اردیبهشت ۱۳۵۹ متوسلیان راهی مریوان شد و باز به دستور بروجردی مسئولیت آزادسازی این شهر را بر عهده گرفت؛ شهری که مرکز عمده فعالیت‌های کومله بود. وی از این عملیات نیز سربلند خارج شد و توانست این شهر را نیز از تصرف دشمنان آزاد کند.

پائیز سال ۱۳۶۰ احمد به همراه تنی چند از سرداران جنگ و از جمله همت به سفر حج رفت و در بازگشت از این سفر بود که مقارن با عید مبعث، تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) را بنا نهادند و خود به فرماندهی این تیپ منصوب شد. این تیپ دو عملیات بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس را با پیروزی پشت سر گذاشت.

حاج احمد متوسلیان پس از فتح خرمشهر، اواخر خرداد، در مأموریتی همراه یک هیئت عالی رتبه سیاسی و نظامی به سوریه و لبنان سفر کرد تا راه‌های کمک به مردم بی‌دفاع لبنان را از نزدیک بررسی کند. در جریان یورش اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۳۶۱ اطلاع دادند که بیروت محاصره شده و ساختمان سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در معرض خطر است. موسوی کاردار سفارت ایران از متوسلیان که در لبنان بود تقاضا کرد برای تخلیه اسناد موجود در سفارتخانه اقدام کند.

در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه ظهر روز ۱۴ تیر سال ۱۳۶۱ خودرو سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان هنگام عزیمت به بیروت در یک پست بازرسی موسوم به حاجز باربرها به فاصله ۴۰ کیلومتری بیروت متعلق به شبه نظامیان مارونی (حزب کتائب) متوقف شد و چهار سرنشین - که یکی از آنان احمد متوسلیان بود - به رغم داشتن مصونیت دیپلماتیک به اسارت نیروهای وابسته به اسرائیل درآمدند. (برگرفته از سایت خبرگزاری مهر - ۱۳۸۳/۴/۱۳).

شماره پرونده

مجرمت

کلاس ۲۰۱۶۲۰۶۹۳

شعبه ۲

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

شماره پرونده

با اعلام عن پرونده اتهامی کلاسه فوقی که طی شماره ۱۳۷۷۱۳۲۷۸۱۳۲۷۸-۴۰۱۶۶۲۰۶۹۳-۲۵۳۷۶۲۱۶ بان به ما رجوع گردید ماست به شرح ذیل میاد در خصوص پرونده اتهامی منجمله ...

الف مشخصات متهمین و ذراتهای احمد موسویان فرزند فلا حسین متولد ۱۳۴۲ دارای شناسنامه شماره ۳۹۷۳۳۹۷۳۳۳ تهران متولد ۱۳۴۲ در تهران تحصیلات لیسانس حقوقی ساکن محله پادشاهان شقایق تهران در منزل ...

ب- مورد اتهامات و اقدامات متهمین ...

۱- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۲- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۳- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۴- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۵- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

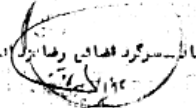
۶- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۷- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۸- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۹- در تاریخ ۲۰۰۲ مورخه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۸۱ در تهران در محل ...

۳۰۵





شاد بزرگ ارشاداران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۶

صفحه از صفحه

دنباله

جلسه مانی دادگاه مادی خرمآباد به ریاست سرهنگ قناتی هرمز پور احمد و کارمندی افسران مشرفه ...
بروند آنتنهای غیر نظامی احمد متوسلیمان فرزند غلامحسین ساکن خرمآباد از تاریخ فوق تشکیل گسرد بد
گردشکار برابر مه توالت پرونده متهم یاد شده در تاریخ ۵۷/۶/۱۵ چنین تکمیل اعلامی صادره دستگیر و در تحقیقات
معموله اعلام میدارد که بعد پذیر آتمارا داشته و قبلا نیز تعداد پنجاه برگ اعلامیه صادره را پذیر کرده است پرونده مانی
در این زمینه وسیله سازمان الامان و امنیت استان لرستان تشکیل و به دادرسی دادگاه محسساند و خرمآباد
ارسال میگردد در متهم یاد شده نزد بازرس دادرسی مذکور اظهارات اولیه خود را تکذیب مینماید سرانجام پرونده
پ با کتبر خواست شماره ۱۳۵۷/۹/۲/۵۵۰ به این دادگاه احاله و هیئت دادرسی پس از اقدامات لازم و
تشکیل بانک جلسه بررسی و یک جلسه دادرسی را اعلام ختم جلسه از طرف رئیس دادگاه در غیاب اسباب دعوی
مشی به شور پرداخته و شرح آتی صادر است مدور را می مینماید

رای شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۵۷/۹/۲۶ دادگاه مادی خرمآباد

۳۰۶

هیئت دادرسی پس از بررسی محتویات پرونده و مطالعه کامل در مندرجات آن و استماع بهائات دادستان و دفاعیات
وکیل مدافع و آخرین دفاع متهم و انجام تشریفات مقرر در ماده ۲۰۹ قانون دادرسی و کتبر ارتش و
توجه به دلائل زیر: باتوجه با آنکه متهم قبل از پذیر اوراق مکتوبه دستگیر و موقوف بتوزیع اوراق مکتوبه
نگرفته است و تقاضای این مطلب که برقرری صحت موضوع از جمله قصد تهیه مقدمات تجاوز ننموده است و بهمانستیا آنکه
موضوع اتهام جنایی است و در سر تا سر پرونده دلیل و آمد رنگ که متهم میباید بتوزیع و بخش اعلامیه نموده باشد
بهوش تصحیر و آنکه متهم هیچگونه سابقه کفری ندارد علیهذا بوفتسای و با دستنابری دادستان مندرج در
کتبرخواست را در باره متهم وارد دانسته و با تلافی آراء متهم فرزند امان احمد متوسلیمان فرزند غلامحسین را از اتمام انتساب
میرا بداند این رای صرفاً محس بود و در محسرسی دادگاه با حضور اسباب دعوی قراشت و ابلا گردد بد طرف مدت
هر روز سر تاریخ ابلا قابل تجدیدنظر خواهی میباشد غمنا در اجرای ماده ۸۷ قانون دادرسی و کتبر ارتش دادگاه مادی
میدارد و مدارک اعلامیه های مکتوبه آنکه مضر اند معدوم و بقیه به صاحبش مسترد گردد برف

دادرسی رئیس دادگاه مادی خرمآباد سرهنگ قناتی هرمز پور احمد
۱- سرگرد فضل انوشیروان دولت
۲- سرور شاد آسمان انوشیروان
وکیل مدافع: سرگرد علی جباری
متهم: فرزند امان احمد متوسلیمان

بنام نامی بلندگاران علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر



شاد بزرگ درشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

شماره ۲۴۶
تاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۲ هجری قمری

دادنامه

مرجع رسیدگی دادگاه تجدید نظر خرمآباد

هیئت دادرسان: ریاست سرهنگ قضائی جواد میزبان و کارمندی: انصراف مشروحه زیر

- ۱- سرهنگ ستاد نیروی هوایی خرمآباد
 - ۲- سرهنگ توپخانه مهرداد پنهانی
 - ۳- سرگرد قضائی غلامرضا قطعی
 - ۴- سرگرد قضائی غلامرضا صالح کوی
- با حضور دادستان دادگاه سرگرد قضائی ابوالفضل شادمانی بمظور رسیدگی به پرونده اتهام غیرنظامی احمد موسویان فرزند غلامحسین متهم به اقدام علیه امنیت کشور در تاریخ فوق تشکیل گردید. گردشکاره برابر محتویات پرونده متهم یاد شده در فوق در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۱۵ هجری قمری تکمیل اعلامیه های خبره دستگیر و در تحقیقات معموله اظلم ابرمیدارید که قصد بخریدن آنها را داشته و قبلاً نیز تعداد پنجاه بره اعلامیه خبره بختن کرده که پرونده اتهامی وی پس از انجام تشریفات قانونی بدان آراء عادی خرمآباد ارجاع و متهم از اتهام انتسابی برائت که بر اثبات آن در دادستان دادگاه پرونده همین دادگاه احاطه همساز انجام تشریفات قانونی و یک جلسه بررسی و یک جلسه دادرسی و استماع عیانیات دادستان و دفاعیات وکیل مدافع آخرین دفاع متهم و اعلام ختم جلسه دادرسی از طرف ریاست دادگاه هیئت دادرسان در خطاب اجحاب دعوی و عیشی بشورید اخته و شرح زیر بهادرت بمد روزی میباشد.
- رای شماره ۲۴۶ مورخه ۱۳۵۷/۹/۱۲ دادگاه تجدید نظر خرمآباد
- هیئت دادرسان میزان بررسی محتویات پرونده و مذاقه کامل در اوراق آن و اجازت تشریفات ماده ۲۰۹ قانون دادرسی و کفایت ارتز رای شماره ۲۸۷ مورخه ۱۳۵۷/۹/۷ دادگاه عادی خرمآباد را که بر ایران با توجه بدلائل مشروحه زیر
- متهم قبل از بختن اوراق مکتوبه دستگیر و موفق بتوزیع اوراق مکتوبه نگردیده و نتوانید این مطلب که بر فرض صحت موضوع از مرحله قدرت و تهیه مقدمات تجاوز نتواند باشد و با عنایت به اینکه موضوع اتهام جنائی است و در صورت سربروند دلیل یا مدرکی که متهم مادرت بتوزیع و بختن اعلامیه نموده باشد بچشم نمیخورد مضافاً اینکه متهم هیچگونه سابقه کیفری ندارد. متهم غیرنظامی احمد موسویان فرزند غلامحسین را از اتهام انتسابی برائت است (بجمله نقد دلیل کافی) از هر جهت حوجه و مدلل دانسته و اتفاق آراء بر نتانید میباشد. این رای غیر قطعی بوده و در محضر رسیدگی دادگاه با احتیاط اجاب دعوی فرات و ابلاغ گردید که از تاریخ ابلاغ رای لغایت ده روز قابل فرجا خواهی میباشد. ضمناً اجازت ملاقات قلمرو حضور شخص غیر در محضر دادگاه و تصدیق بصحتش مشروط گردید.

رئیس دادگاه تجدید نظر خرمآباد - سرهنگ قضائی جواد میزبان

بقیه در پشت صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الْقَاصِمِ الْجُبَّارِينَ - مُبِيرِ الظَّالِمِينَ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّبِّ الْمُسْتَفِيزِينَ
 بِسْمِ اللَّهِ الْوَالِدِ الْقَهَّارِ الْجُبَّارِ الْمُتَنَقِّمِ - بِسْمِ اللَّهِ الْوَجْهِ الْوَهَّابِ
 بِسْمِ اللَّهِ الْأَعْدِ الصَّعْدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 لَهْوًا أَحَدًا : *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* یعنی پرچم و شمشیر و تاج

۳۰۸

او این نژادی که در صدر اسلام بر علیه تمام پرستی و خود کاملی های دنیا و بعد از
 پیغمبر بلند شد نزار همه بود که به پرستی از عدالت و تواضع و خشوع و خضوع علی السلام
 نسبت به خداوندان . سر خود را تعین و تانوسه نزار این خطا کسی بودیم
 پاسداران حقیقی مذهب حقیقی همه استیاز خود را نسبت به خداوند
 تمام پرستی و استعمار پر و استعمار شدن همه اسلام و همه غیره حفظ کرده
 است .

منته هتم

۸

سفاهی در اینج سردار ام دم در غایت با توجه به ایمانی که بر عهده خداوند
 دارم که فرموده و نُریدُ اَنْ نُمُوتَ عَلٰی الَّذِیْنَ اَسْتَضَعْنَا فِی الْاَرْضِ
 وَ یَجْعَلَهُمْ اٰیَةً وَ یَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ . یعنی - و می خواهم منت
 بگذاریم بر کسانی که ضعیف نگهداریم شده اند در زمین قرار دهیم آنان را
 پیروان و وارثین . از روی محرم و قصات عظیم ایشان که در این
 دو ماه محصور دارند آقا ضامن است که واقع بنامه داور و عدل و
 حکم و عدالت برار و بنظر کامل در اینج مورد قضات نمایند .
 اِنَّ اللّٰهَ دُوِّفِعَ عَنِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ
 کفّور . یعنی همان خداوند از ایمان ^{همه} تو زنگار به محسوسیت دفاع می کند
 و خداوند کفرز خدایتکار و ناساس را دوست ندارد
 وَ اَللّٰهُمَّ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعْتُ الْهُدٰی وَ اَبْرَأْتُ

۳۰۹